



واپسین سکه سلجوقیان در نیشابور: پژوهشی بر دینار طلای مکشوف از محوطه «قهوه‌خانه سنگی» برزنون (نیشابور، خراسان رضوی)

I محمدامین سعادت‌مهر^I

II حسن باصفا^{II}

III حمیدرضا ثنائی^{III}

IV محسن مؤمنی^{IV}

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۳۶ - ۱۱۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.16.119

چکیده

خراسان در دوره سلجوقیان از منظر اجتماعی و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار بود و با به قدرت رسیدن «سلطان سنجر» (۵۱۱-۵۵۲ ه.ق.) نیز به هسته سیاسی امپراتوری سلجوقی بدل گشت. با حمله غزها (۵۴۸ ه.ق.) و به اسارت درآمدن سلطان سنجر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خراسان دچار آشفتگی گردید. محوطه قهوه‌خانه سنگی برزنون نیز متعلق به دوره سلجوقی بوده و با پیدا شدن سکه‌ای طلایی از سلطان سنجر (ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق.) در لایه‌های سطحی آن، احتمال آن می‌رود که در کشاکش این حملات رو به ویرانی گذاشته باشد. به واسطه چنین هرج و مرج گسترده‌ای، متون تاریخی اطلاعات پراکنده و متفاوتی درباره این واقعه تاریخی دارند؛ پس با در اختیار داشتن چنین سکه‌ای، علم سکه‌شناسی با تکیه بر علوم باستان‌شناسی و تاریخ می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار محققین قرار دهد. پس پایه و مایه اصلی این مقاله را سکه مکشوف از محوطه قهوه‌خانه سنگی و نمونه نسبتاً مشابهی از آن (احتمالاً ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق.)، تشکیل می‌دهد. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. چگونه می‌توان با استفاده از این سکه و نمونه مشابه آن بخشی از تاریخ آن عصر را بازسازی نمود؟ ۲. با توجه به شرایط حاکم زمانی و عوامل تأثیرگذار، سکه‌های مورد بحث توسط چه کسی و با چه هدفی به ضرب رسیده‌اند؟ این مقاله بر آن است تا علاوه بر معرفی این سکه‌های شاخص، به بازسازی و مشخص ساختن علل برخی از حوادث با همراهی داده‌های سکه‌شناختی در کنار متون تاریخی بپردازد. در نتیجه مشخص گردید سکه‌های مورد مطالعه پس از آزادی سلطان سنجر از اسارت و به نام او، توسط «مؤید آی‌ابه»، در جهت مقابله نمودن با اتحاد «سلطان محمود» (دوره اول حکومت ۵۴۸-۵۵۱ ه.ق.) و «آتسز خوارزمشاه» (۵۵۱-۵۲۱ ه.ق.) و کسب مشروعیت لازم برای بقای قدرت و حکومتش در جایگاه امیر تابع سلطان سنجر، در نیشابور و حتی بخش‌هایی از خراسان ضرب شده باشد.

کلیدواژگان: سلطان سنجر، نیشابور، حمله غز، سکه‌شناسی، محوطه قهوه‌خانه سنگی.

I. دانشجوی دکترای گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
Ma.saadatmehr@gmail.com

II. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.
III. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
IV. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

مقدمه

در پاییز سال ۱۳۸۷ ه.ش.، اولین گروه دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور به منظور کاوش آموزشی، قدم به محوطه قهوه‌خانه سنگی (برزنون، نیشابور، خراسان رضوی) گذاشتند و کاوشی یک‌ماهه را با دو هدف شناخت ویژگی‌های معماری و شناخت توالی دوره‌های استقرار این محوطه آغاز کردند. بررسی داده‌های سطحی و اطلاعات حاصل از چهار کارگاه در اولین فصل این کاوش علمی-آموزشی این فرض را به ذهن متبادر کرد که این محوطه آثاری از اواخر دوران تاریخی تا یورش مغولان را در دل خود جای داده است، اما احتمال آن می‌رفت که کاربری اصلی و دوران اوج این محوطه مربوط به دوره سلجوقی بوده باشد؛ بنابراین یک داده ویژه، یعنی دیناری از روزگار سلاجقه که در سطحی‌ترین لایه دومین کارگاه به دست آمده بود، می‌توانست اعتبارافزای این احتمال باشد.

اهمیت کشف سکه در محوطه‌های باستانی از جهت آن است که مسأله گاهنگاری دقیق و تا حدودی مطلق آن‌ها می‌تواند بر سکه استوار شود؛ به عبارت دیگر، تعلق سکه به دوره و یا تاریخی خاص بدین معناست که محوطه مورد نظر نیز در آن زمان حیات داشته است. علاوه بر آن، شاخصه‌های مهمی مانند: نام صاحب سکه، نام ضرابخانه و تاریخ ضرب که بر هر سکه ضرب شده، می‌تواند اطلاعات تاریخی سودمندی را به دست دهد؛ بنابراین در این پژوهش برای شناخت اولیه سکه مکشوف در برزنون، مهم‌ترین منابع سکه‌شناسی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت و سرانجام نمونه نسبتاً مشابهی از این سکه در کتابچه حراجی سکه‌های کمیاب استیفن آلبوم (سکه‌های باستانی، اسلامی و سراسر جهان) پیدا شد؛ دیناری طلایی از دوره سلطان سنجر سلجوقی که در سال ۵۵۱ ه.ق.، و احتمالاً در نیشابور ضرب شده است (Stephen Album Rare Coins, 10-12 Sep. 2015: Lot 417). بررسی و مشاهدات بیشتر نگارندگان درباره سکه مکشوف در برزنون نشان می‌دهد که این سکه نیز از دینارهای دوره سلطنت سنجر بوده و در سال ۵۵۱ ه.ق.، در نیشابور ضرب شده است.

اهداف و ضرورت پژوهش: سکه‌ها را می‌توان سندی ارزشمند و بهترین داده‌های باستان‌شناختی دانست؛ زیرا به همان عصر تعلق داشته و مانند متون تاریخی با هدف خوانش مجدد پدید نیامده‌اند (کیان‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۲). پس با توجه به آن‌که متون تاریخی اطلاعات پراکنده و گاه متناقضی در رخدادها عرضه می‌دارند، این نقیصه را می‌توان با مراجعه به اسنادی موثق‌تر چون سکه‌ها جبران کرد. به طور کلی داده‌های باستان‌شناختی به عنوان مرجعی نسبتاً قابل اعتماد، اطلاعات منابع مکتوب را تأیید، تثبیت یا کامل می‌کنند. در این میان کامل کردن اطلاعات منابع مکتوب اهمیت دوچندانی دارد؛ به عبارت دیگر، این داده‌ها می‌توانند زوایای تاریکی از حوادث و جریان‌های تاریخی را برای مورخان آشکار سازند. این مقاله می‌کوشد علاوه بر معرفی کامل سکه مورد نظر، با نگاه دوسویه باستان‌شناختی و تاریخی و با بهره‌وری از علم سکه‌شناسی خوانشی تازه از تاریخ آن عصر در ولایت نیشابور ارائه کند و از طریق آن دو علم، تحلیل مشترکی را به ارمغان آورد.

پرسش‌های پژوهش: این پژوهش دو پرسش اصلی را در پی دارد؛ ۱. چگونه می‌توان با استفاده از این سکه (سلطان سنجر، ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق.) و نمونه مشابه آن (سلطان سنجر، احتمالاً ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق.)، بخشی از تاریخ آن عصر را بازسازی نمود؟ ۲. با توجه به شرایط حاکم زمانی و عوامل تأثیرگذار، سکه‌های مورد بحث توسط چه کسی و با چه هدفی به ضرب رسیده‌اند؟

روش تحقیق: مطالعات سکه‌شناسی نوین بر پایه داده‌های استخراجی از سکه‌ها استوار است و از متون تاریخی برای اثبات مستدل داده‌ها بهره می‌برد؛ بنابراین رهیافت تاریخی می‌تواند بهترین

رویکرد برای پژوهش‌های سکه‌شناختی باشد. رهیافت تاریخی نیز با بازسازی گذشته انسانی بر پایه بررسی و تحلیل انتقادی متون تاریخی صورت می‌پذیرد که در نهایت با داده‌های باستان‌شناختی ارزیابی می‌شود و تحلیل نهایی را ارائه می‌کند. در اینجا نیز متون تاریخی - به ویژه منابع دست اول - پایه اصلی پژوهش قرار گرفت. برای مطالعات سکه‌شناسی این پژوهش نیز علاوه بر استفاده از نگاه‌های تخصصی علمی، از دو پایگاه بزرگ استنادی استفاده شد؛ در سال ۲۰۰۲ م. پایگاه اطلاعاتی سکه‌های شرقی^۳ ایجاد گردید و از سال ۲۰۰۵ م. نیز تارنمای آن ایجاد شد (<https://www.zeno.ru/>) که از آن پس تعداد بی‌شماری از سکه‌های شرقی، به ویژه سکه‌های ایرانی در آن بارگذاری می‌شود. در سال ۲۰۱۱ م. نیز مؤسسه حراجی سکه‌ها: سکه‌ها، مدال‌ها، و سایر اشیاء ارزشمند «سیکس بید»^۴ به وجود آمد (<https://www.sixbid.com/en/>) که اطلاعات تمامی سکه‌های به فروش رفته جهان را با تمامی جزئیات و با قابلیت جست‌وجو در خود جای داده است.

پیشینه پژوهش

این پژوهش از سه گونه از آثار متفاوت بهره می‌برد و از همین رو پیشینه آن در قالب سه دسته از آثار بیان شده است؛ ۱. اقدامات انجام شده در محوطه قهوه‌خانه سنگی، ۲. پژوهش‌های سکه‌شناختی سکه‌های سلاجقه بزرگ، ۳. پژوهش‌هایی درباره سال‌های پایانی حکومت سلطان سنجر سلجوقی. محوطه قهوه‌خانه سنگی برای اولین بار توسط «فائق توحیدی» به سال ۱۳۵۵ ه.ش.، در بررسی‌های باستان‌شناختی خراسان شناخته شد (توحیدی، ۱۳۵۶) و پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ ه.ش.، توسط «محمد اسماعیل اعتمادی» در بررسی‌های جدید دشت نیشابور مورد بررسی بازبینی قرار گرفت (اعتمادی، ۱۳۷۷). در نهایت با تأسیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور در سال ۱۳۸۵ ه.ش.، به منظور اولین دوره کاوش آموزشی دانشجویان این رشته، به سال ۱۳۸۷ ه.ش.، توسط «حسن باصفا» مورد کاوش قرار گرفت (باصفا، ۱۳۸۸) و اولین کار مستقل آن نیز در همایش یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران با عنوان «گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قهوه‌خانه سنگی برزنون نیشابور»، به سال ۱۳۹۱ ه.ش.، ایراد گردید (باصفا، ۱۳۹۲: ۸۴).

برای اولین بار به سال ۱۹۷۰ م.، «نیکولاس لویک»^۵ در مقاله‌ای با عنوان «سکه‌های سلجوقی»^۶ به بررسی سکه‌های سلجوقی موزه بریتانیا پرداخت (۲۴۱-۲۵۱). پس از این پژوهش تا پژوهش بعدی در سال ۱۳۹۱ ه.ش.، یعنی مقاله پژوهشی «سکه‌شناختی بر آغاز حکمرانی سلجوقیان در جرجان» از «سعید سلیمانی»، وقفه زیادی افتاد (۶۱-۷۰). در همان سال پایان نامه‌ای نیز از «فاطمه قلی‌زاده» با عنوان «سکه‌های سلجوقی و بررسی گرایش‌های سیاسی و مذهبی آن‌ها از قرن ۵ تا ۷ ه.ق.» که به بررسی سکه‌های سلجوقی در موزه ملی ملک پرداخته بود، در دانشگاه تهران مورد ارزیابی قرار گرفت (۱۳۹۱). حدود یک سال پس از آن، «پرستو مسجدی خاک» از رساله خود با عنوان «آنالیز عنصری سکه‌های نقره دوره سلجوقی به منظور شناخت وضعیت سیاسی و اقتصادی در این دوره» در دانشگاه تربیت مدرس دفاع کرد (۱۳۹۲) و مقالات «مقایسه مقدماتی سکه‌های سلاجقه ایران و سلاجقه روم به روش پیکسی»^۷ (Masjedi et al., 2013: 321-328) و «مقایسه عنصری سکه‌های سلاجقه ایران و روم با استفاده از روش پیکسی» (مسجدی خاک و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱-۱) نیز حاصل همان رساله بود. آخرین پژوهش در این حوزه نیز مقاله «محسن سعادت» و «حسین ناصری صومعه» با عنوان «بحثی پیرامون وضعیت مالی دوران سلجوقیان با اتکا به مسکوکات آن دوران» در سال ۱۳۹۵ ه.ش.، به چاپ رسیده است (۲۸-۳).

کتاب‌های فراوانی در باب سلسله سلجوقیان نوشته شده است، اما هیچ‌یک به گونه تخصصی و با نگاهی بدیع از رویدادهای پایانی این سلسله، سخن نگفته‌اند؛ از این رو در اینجا صرفاً از

پژوهش‌های مستقلی که با آخرین وقایع سلسله سلجوقی در ارتباط مستقیم‌اند، بهره برده شده است. این پژوهش‌ها را می‌توان در کتاب‌هایی با عناوین: تاریخ دولت خوارزمشاهیان از «ابراهیم قفس‌اوغلی» (۱۳۶۷) و تاریخ ترکان در دوره سلجوقی^۸ از «محمد آلتای کوی‌من»^۹ (۲۰۰۴)، و مقالاتی با عناوین: «نقش قبایل مهاجر آسیای میانه در تحولات روزگار سلطان سنجر سلجوقی» از «مقصودعلی صادقی» (۱۳۸۸: ۶۴-۵۵)، «علل بنیان‌گذاری سلسله محلی آل‌مازه در بخارا» از «سیدابوالقاسم فروزانی» (۱۳۹۱: ۷۵-۶۶)، «بازکاوی تاریخ سیاسی فرارود و خراسان بزرگ، از منظر روابط دو دولت قراختایی و سلجوقی» به قلم «جمشید روستا» (۱۳۹۳: ۲۴-۱۱)، «پیامدهای اجتماعی جنگ قطوان در ماوراءالنهر» از «محسن رحمتی» (۱۳۹۷: ۵۷-۵۳)، و «واکاوی فراز و فرود قدرت سیاسی ملوک نیشابور (۵۸۳-۵۴۸ ه.ق.)» از «محسن مؤمنی» و «محسن مرسل‌پور» (۱۳۹۷: ۵۹-۷۰)، خلاصه نمود.

محوطه قهوه‌خانه سنگی

محوطه قهوه‌خانه سنگی در منطقه‌ای کوهستانی با آب‌وهوایی نسبتاً سرد و خشک به فاصله سه کیلومتری از شمال غرب دهستان برزنون (سرولایت، نیشابور، خراسان رضوی) در نزدیکی رودخانه برزنون و جنب جاده ارتباطی قوچان-سبزوار قرار دارد. این محوطه به صورت تپه‌ای مخروطی بر روی تپه‌ماهورهای شنی طبیعی قرار گرفته است (تصویر ۱). خاک‌برداری و حفاری غیرمجاز از سطح محوطه به فراوانی انجام شده و عملیات راه‌سازی نیز بخش‌های وسیعی از این محوطه را تخریب نموده است (تصویر ۲). با وجود این، بر سطح این محوطه قطعات پراکنده سفال مشاهده می‌شود که در بخش شمال غربی و غرب تراکم بیشتری دارد و تقریباً همه سفال‌ها به دوران اسلامی و به ویژه دوره سلجوقیان تعلق دارد (باصفا، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۷). گفتنی است که توحیدی در گزارش خود قدمت این محوطه را تا سده‌های ۷ و ۸ ه.ق.، به تأخیر برده است (توحیدی، ۱۳۵۶). چنان‌که گذشت، این کاوش در این محوطه با دو هدف شناخت ویژگی‌های معماری و شناخت توالی دوره‌های سکونت صورت پذیرفت و در راستای این دو هدف، چهار کارگاه بدین شرح ایجاد شد: در راستای هدف اول که بررسی و مطالعه محوطه بود، کارگاه I با ابعاد ۴×۴ متر در مرکز محوطه



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای از موقعیت محوطه قهوه‌خانه سنگی (باصفا، ۱۳۸۸: ۱۶).



تصویر ۲. محوطه قهوه‌خانه سنگی برزنون (نگارندگان، ۱۳۹۹).

گشوده شد و حاصلش سازه‌های سنگی متشکل از قلوه‌سنگ‌های یک‌اندازه با ملات گل بود. زیرسازی این فضاهاى سنگی نیز متفاوت به‌نظر آمد (باصفا، ۱۳۸۸: ۲۴)؛ سپس برای پیگیری فضاهاى معماری، کارگاه IV به ابعاد ۳×۴ متر در جنوب کارگاه I ایجاد شد. این کارگاه ادامه سازه‌های اولین کارگاه را در خود جای داده بود و توانست زمینه یک دید کلی را فراهم آورد (همان: ۱۹۷). چنان‌که گفته شد، دومین هدف شناخت توالی دوره‌های سکونت بود. در راستای این هدف و به‌منظور لایه‌نگاری و شناخت دوره‌های فرهنگی، هم‌زمان با ایجاد کارگاه I، کارگاه II با ابعاد ۳×۳ متر در دامنه شمال‌غربی محوطه ایجاد شد و پس از اتمام کاوش لایه سطحی، خاک بکر خود را نشان داد و از آن حکایت کرد که این محوطه از نظر ساختار زمین‌شناختی بر تپه‌های طبیعی شنی احداث شده است. آن‌چه درمیان داده‌های فرهنگی این کارگاه می‌درخشید، سکه‌ای طلایی متعلق به عصر سلجوقیان بود (تصویر ۳). این سکه (همان سکه مورد بحث مقاله) که در آن زمان هویتی نامعلوم داشت، با شماره ۱۰۰۳ به ثبت رسید (همان: ۱۱۱-۱۰۸). پس از آن‌که در کارگاه II خاک بکر هویدا شد، کارگاه III در راستای همان هدف در شمالی‌ترین نقطه محوطه با ابعاد ۳×۳ متر و با عمق



تصویر ۳. دینار طلای سلجوقی یافت‌شده از کارگاه II، قبل از مرمت (نگارندگان، ۱۳۹۹).

۲۰۰ سانتی‌متر ایجاد شد؛ هرچند که این کارگاه در این فصل به خاک بکر نرسید و ادامه کاوش در آن به آینده موکول شد، ۱۶ لایه فرهنگی در آن پدیدار گشت (همان: ۱۱۶).

دینار طلای سلطان سنجر ضرب نیشابور در سال ۵۵۱ ه.ق.

سکه‌های سلجوقی غالباً از طلا (دینار) و گاه مانند سکه‌های دیگر حکومت‌های هم‌تراز، از نقره (درهم، و در مواردی دینار) و مس (فلس) ضرب می‌شدند. وزن رسمی دینارهای طلا پس از دوره اصلاحات «عبدالملک بن مروان» اموی (۸۶-۶۵ ه.ق.)، با دانه گندم (عشیر/گرین) معادل ۰٫۰۶۴ گرم سنجیده می‌شد. هر دینار طلا با ۶۶ دانه گندم برابری می‌کرد و ۴٫۲۳ گرم وزن داشت (هینتس، ۱۳۶۸: ۲)؛ اما در ضرب دینارهای سلجوقی، خاصه دینارهای عصر سلطان سنجر، از این قاعده پیروی نمی‌شد. بررسی وزن بسیاری از دینارهای دوره سنجر توسط نگارندگان، روشن ساخت که اوزان این دینارها میان ۱٫۵۲ تا ۴٫۲۵ گرم متغیر بوده و بیشتر آن‌ها ۲٫۵ و ۳٫۷ گرم وزن داشتند. سکه اصلی مورد مطالعه، یعنی سکه یافت شده از محوطه قهوه‌خانه سنگی و سکه مشابه آن به ترتیب ۳٫۱ گرم و ۲٫۸۲ گرم وزن دارند. این اختلاف وزن میان دو سکه از اهمیت بسزایی برخوردار است. طرح سکه‌های دوره سلاجقه بزرگ نیز مانند دیگر سکه‌های حکومت‌های متقارن، با اندکی اختلاف، تقلیدی از طرح سکه‌های خلفای عباسی بود. در اوایل دوره عباسی، طرح سکه‌ها بسیار متفاوت و بسته به ناحیه ضرب، از تنوع برخوردار بود، اما پس از آن‌که در سال ۲۰۰ ه.ق. طرح جدیدی برای سکه‌ها در نظر گرفته شد (تصویر ۴)، همه سکه‌ها با طرحی یکسان به ضرب می‌رسیدند (Shams Eshragh, 2010: 204). با وجود این، دیری نگذشت که دوباره و به تدریج



تصویر ۴. دینار طلایی از خلیفه مأمون (۲۱۸-۱۹۸ ه.ق.) ضرب شده در مدینه السلام (بغداد) به سال ۲۱۳ ه.ق.^{۱۰} (St. James's, 29 Sep. 2016: Lot 95)



تصویر ۵. دینار طلایی از خلیفه المقتدر بالله (۳۲۰-۲۹۵ ه.ق.) ضرب شده در مصر به سال ۳۰۲ ه.ق.^{۱۱} (Baldwin's, 26 Jul. 2011: Lot 405)

اختلافاتی ناچیز نظیر آمدن نام خلیفه، نام ولیعهد، نام امیر محلی و... در طرح سکه‌ها پدیدار گشت (تصویر ۵)، اما پایه اصلی طرح آن‌ها، همان طرح سکه‌های سال ۲۰۰ ه.ق. بود. اگرچه برخی از سکه‌های سلجوقی، به ویژه سکه‌های نخستین سلاطین این سلسله، از الگوهای سکه‌های عباسی پیروی کرده و برطبق آن ضرب می‌گشت (تصویر ۷)، اما کلیت اختلاف طرح سکه‌های دوره سلجوقی با سکه‌های عباسی بسیار زیاد است؛ هم‌چنین گفتنی است که سلاطین سلجوقی هرکدام سکه‌هایی با طرح‌های منحصر به فرد نیز ضرب می‌کرده‌اند (تصویر ۸). البته این طرح‌های خاص گاه به‌کناری نهاده شده و از الگوهای اصلی استفاده می‌شد. بیشتر سکه‌های سلجوقی غالباً با تزئینات فراوان ضرب می‌شدند؛ هم‌چنین عبارات دینی متفاوت، القاب فراوان خلفا، سلاطین، ولیعهدان و حتی حاکمان محلی نیز در این سکه‌ها به چشم می‌خورد (تصویر ۶). سکه مورد مطالعه این پژوهش، در دوره سنجر ضرب شده است. به‌طور کلی سکه‌های ضرب شده در دوره سنجر را باید به دو زمان متفاوت مربوط دانست که از طرح‌های متفاوتی پیروی می‌کنند: سکه‌های ضرب شده در زمان امارت او در خراسان در زمان سلطنت برادرانش (۵۱۱-۴۹۰ ه.ق.) (تصویر ۶) و سکه‌های ضرب شده در زمان سلطنت او (۵۵۱-۵۱۱ ه.ق.) در قلمرو سلاجقه بزرگ (تصویر ۸). سکه اصلی مورد مطالعه و نمونه مشابه آن با اندکی تفاوت، از طرح رسمی سکه‌های سنجر (تصویر ۸) در دوره دوم پیروی می‌کند.



تصویر ۶. دینار طلایی از سنجر (در سلطنت محمد اول، ۵۱۱-۴۹۲ ه.ق.) ضرب شده در هرات به سال ۴۹۸ ه.ق.^{۱۲} (Baldwin's, 8 May. 2012: Lot 686).



تصویر ۷. دینار طلایی از سلطان ملک‌شاه (۴۸۵-۴۶۵ ه.ق.) ضرب شده در مدینه السلام (بغداد) به سال ۴۸۶ ه.ق.^{۱۳} (Stephen Album Rare Coins, 14-16 Jan. 2016: Lot 417).



تصویر ۸. دینار طلایی از سلطان سنجر ضرب شده در نیشابور به سال ۵۲۱ ه.ق. (Stephen Album) (Rare Coins, 23-25 Jan. 2020: Lot 732)

چنان‌که گذشت، سکه اصلی مورد مطالعه (تصویر ۹) و نمونه مشابه آن (تصویر ۱۰)، دینارهای طلایی اند که در سال ۵۵۱ ه.ق. در دوره سلطان سنجر سلجوقی و در نیشابور ضرب شده‌اند؛ اما با نگاهی به تصویر سکه اصلی، سایدگی بسیاری که در سطح سکه جلب توجه می‌کند، متن را ناخوانا ساخته است و هرچند کیفیت سکه مشابه نیز از نمونه اصلی اندکی بهتر است، باز هم نقص خوانش سکه اصلی را کاملاً جبران نمی‌کند. از این رو متن این دو سکه، تنها از دو طریق آشکار می‌شود: ۱. بازخوانی بخش‌های خوانش پذیر از متن دو سکه و تلفیق آن‌ها با یکدیگر، ۲. بهره‌بردن از متن سکه‌های رسمی سلطان سنجر در دوره پیش از آشوب ناشی از فتنه غز (تصویر ۸)؛ بنابراین پس از دستیابی به متن سکه‌ها، نگاشته‌های قابل خوانش دو سکه آورده شده و بخش‌های بازسازی شده از متن دیگر سکه‌ها نیز در داخل قلاب گذاشته خواهند شد.



تصویر ۹. سکه مورد مطالعه بعد از مرمت، دینار طلایی از سلطان سنجر ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق. (نگارندگان، ۱۳۹۹).



تصویر ۱۰. سکه مشابه، دینار طلایی از سلطان سنجر ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق. (Stephen Album) (Album Rare Coins, 10-12 Sep. 2015: Lot 417)

نگاشته‌های سکه اصلی:

- روی سکه: [لل]ه / [لا] اله [الا] / الله محمد / رسول الله / المقتفی [لأمر] الله
- حاشیه: [محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون]
- پشت سکه: لله / السلطان الاعظم / [معز الدنیا و الدین] / ابوالحرث سنجر / بن ملکشاه
- حاشیه: [بسم الله ضرب هذا الدینار بنیسا بور سنه احدى و خمسين] و [مسمائه]

نگاشته‌های سکه مشابه:

- روی سکه: لله / السلطان الاعظم / معز الدنیا و الدین / [ابوالحرث سنجر] / بن ملکشاه
 - حاشیه: [محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون]
 - پشت سکه: لله / لا اله الا / الله [محمد] / المقتفی [لأمر] الله
 - حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدینار بنیسا بور سنه احدى و خمسين
- با بررسی نگاشته‌های سکه اصلی و نمونه مشابه آن، دو اختلاف در متن آن‌ها مشاهده می‌شود؛ نخست، جابه‌جایی متن رو و پشت سکه‌هاست؛ هرچند در انتخاب رو و پشت سکه‌ها میان پژوهشگران هنوز اختلاف نظرهایی وجود دارد، در اینجا روی سکه با نگاشته‌های حاشیه مشخص شده است، به گونه‌ای که بر حاشیه روی سکه‌ها عبارت «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون» (قرآن، توبه: ۳۳) نقش شده و بر حاشیه پشت سکه‌ها عبارت «بسم الله ضرب هذا الدینار بنیسا بور سنه احدى و خمسين و خمسمائه» حک شده است. عبارات مرکزی پشت و روی سکه‌ها، یعنی «الله / لا اله الا / الله محمد / رسول الله / المقتفی لأمر / الله» و «الله / السلطان الاعظم / معز الدنیا و الدین / ابوالحرث سنجر / بن ملکشاه» نیز عکس یکدیگر ضرب شده‌اند. دومین اختلاف، در تاریخ ضرب در پشت سکه‌ها دیده می‌شود؛ تاریخ ضرب بر سکه اصلی به صورت کامل، یعنی «سنه احدى و خمسين و خمسمائه» آمده و بر نمونه مشابه به صورت خلاصه «سنه احدى و خمسين» نقش شده است.

خراسان و سلطنت سلطان سنجر در کشاکش یورش غزان

سنجر، آخرین سلطان مقتدر و بزرگ سلجوقی بود که حیطة نفوذش در اوج قدرت از یک سو تا بغداد و از سوی دیگر تا ماوراءالنهر و مرزهای هند می‌رسید، اما اوضاع سیاسی در اواخر سلطنتش آشفته شده و شیرازه امور از هم گسیخت. نخستین ضعف در سلطنت او در سال ۵۳۶ ه.ق.، در جنگ «قَطْوَان» با «قراختاییان» پدید آمد. به نوشته «منهاج سراج جوزجانی»، پس از نبرد قَطْوَان «کار مملکت ضعیف شدن گرفت» (۱۳۴۲: ۲۶۷/۱). از پس این هزیمت، والیان تابع سلطان برای استقلال راه عصیان پیش گرفتند، ولی سنجر هنوز آن‌چنان ضعیف نشده بود که نتواند قدرت خویش را بازسازی کرده و یاغیان را بر جای خویش بنشاند. با وجود این، با گذشت حدود یک دهه از این شکست بزرگ، ضعف و پیری بر سلطان چیره گشت و با تسلط امیران بر امور، سلطنتش به ضعف دچار شد. به نوشته «بنداری»، با پا به سن گذاشتن سلطان، امیران بر وی چیره شدند و برابری گردن‌کشی می‌کردند (۱۳۵۷: ۳۳۲).

در اواخر سلطنت سنجر، نزاعی میان «قماج والی» و «شحنه» بلخ و ترکمانان غز که به عنوان رعیت سلطان در آن نواحی به سر می‌بردند، درگرفت؛ منازعه‌ای که با قتل «محصل مالیاتی» آغاز شد و تا قتل قماج والی بلخ بالا کشید. در بهار ۵۴۸ ه.ق.، سنجر به تحریک «امیر مؤید آی‌ابه» لشکری را برای گوشمالی آنان روانه بلخ کرد. در جنگی که در حوالی بلخ روی داد، ترکمانان غز پیروز شدند و سنجر در بند شد. با آن‌که پیروزی به دست آمده فراتر از انتظار غزها بود، آنان به سرعت بر شهرهای معروف خراسان از جمله مرو و نیشابور، استیلا یافتند و آن‌ها را به باد غارت و ویرانی دادند

(Koymen, 1991: 5/408). این اوضاع نابسامان تا سالیانی در خراسان پایدار ماند. سرانجام مؤید آی‌ابه با دادن وعده‌های بسیار به نگهبانان سلطان سنجر، سلطان را در سال ۵۵۱ ه.ق.، از اسارت رهانید. برخی از حکومت‌های تابع با اطلاع از رهایی سنجر از اسارت، تابعیت خود را اعلام داشتند، اما آزمندی بیش از حد فرماندهان سلجوقی مانع از آن شد که سلطان سالخورده سلجوقی شیرازه ازهم‌پاشیده این امپراتوری بزرگ را سامان بخشد. در نهایت سلطان که هنوز فرصت سامان دادن به امور را نیافته بود، در ربیع‌الاول سال ۵۵۲ ه.ق.، بر اثر بیماری قولنج درگذشت و امپراتوری را در سراسیمی سقوط رها ساخت (اوزگودنلی، ۱۳۹۳: ۶۳۴/۸).

یکی از امرای بزرگ سلطان سنجر که نقش مهمی در تضعیف حکومت او داشت، مؤید آی‌ابه بود. مؤید از محرکان اصلی سلطان برای پیکار با غزها بود که نتیجه‌ای جز شکست سنجر و ویرانی خراسان در پی نداشت. فتنه غز به سال ۵۴۸ ه.ق.، اتفاق افتاد، غزان انبوهی از طوایف ترک بودند که پس از رانده شدن از ماوراءالنهر توسط قراختاییان، به نواحی ختلان بلخ کوچیده بودند. «خواندمیر» می‌نویسد که غزها چهل هزار خانوار بودند که «در ولایت ختلان و چغانیان و حدود بلخ و قندوز و بقلان اقامت نمودند» (۱۳۸۰: ۵۱۰/۲). با وجود نگاه مثبت برخی از منابع تاریخی درباره غزها، احتمالاً نظر بنداری و «آفسرایبی» صحیح‌تر است که به ترتیب از فال‌زدن آنان برای ستم (۱۳۵۷: ۳۳۸) و در رنج بودن مردم ولایات و حشم سلطان از حضور آنان (۱۳۶۲: ۲۲) سخن به میان آورده‌اند. «زاپورش»^{۱۵} معتقد است که غزها خود را از حکومت سلجوقی مستقل کرده و از شناخت هر اقتداری غیر از رؤسای قبایل خود خودداری می‌کردند (۲۰۱۲: ۱۸۷).

غزها هرساله بیست هزار گوسفند تقدیم مطبخ‌خانه سلطنتی می‌کردند، اما درگیری آنان با محصل مالیاتی و کشتن او سبب شد تا به عنوان قومی شورشی شناخته شوند. سران آنان پس از این اقدام نسبت به سلطان سنجر اظهار اطاعت کرده و متعهد شدند که هرساله به غیر از خراج مرسوم، پنج هزار گوسفند دیگر و صدهزار دینار پرداخت کنند (سبط‌بن‌الجوزی، ۱۴۳۴: ۴۳۰/۲۰). بزرگان درگاه، سنجر را به صلح مشورت دادند، اما امیرقماج حاکم بلخ، سلطان را به جنگ تحریض کرد. غزها برضد او شورش کرده و او را کشتند. سنجر چنین اقدامی را برنتابید و ضمن امتناع از پذیرش پوزش غزها، با لشکری جرار به سرکوبی آنان شتافت (بیضاوی، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

چنان‌که گفته شد، مؤید آی‌ابه در زمره امرایی بود که در تحریک سلطان سنجر به سرکوبی غزها نقش داشتند. به نوشته میرخواند، سلطان بر غزها ترحم کرد، ولی امیر مؤید بزرگ و یرنقش مروزی مانع شدند و گفتند که بازگشت بدون تأدیب آنان به هیچ‌رو مصلحت نیست (۱۳۷۵: ۶۸۶/۴). به نوشته «راوندی»، سلطان عزمی برای پیکار با آنان نداشت و با اصرار چند تن از امیران خود مانند «امیر یرنقش»، «امیر عمر عجمی» و به‌ویژه امیرمؤید به جنگ آنان رفت (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۷۹؛ Koymen, 2004: 300). شکست سلطان سنجر در این نبرد و اسارت وی مبدأ تحولات مهمی بود (فروزانی، ۱۳۹۳: ۱۹۹)، به نوشته «گروسه»، طغیان غز نشان داد که داخل کردن طوایف صحرانورد در جامعه ایرانی و تشکیلات اجتماعی و مدنی این سرزمین با چه مشکلاتی مواجه می‌شود (۱۳۷۹: ۲۷۳).

امیرمؤید یکی از اسباب شکست سلطان سنجر بود. راوندی بر مؤید لعنت می‌فرستد که سبب جنگ با غزها شده و دشمنی سپاهیان با آی‌ابه را عامل قصور آنان در جنگ و شکست سلطان دانسته است (۱۳۶۴: ۱۷۹). میرخواند نیز علت شکست سنجر را دست از جان شستن غزان و سستی امیران مخالف امیرمؤید بزرگ و یرنقش دانسته است (۱۳۷۵: ۶۸۷/۴). به نظر می‌رسد که چیرگی مؤید بر دربار سلطان سنجر سبب رنجش دیگر امیران بوده است.

پراکنده شدن غزان در خراسان پس از شکست سنجر

رهبران غزها پس از شکست دادن سنجر به خدمت وی ایستاده و خطبه به نام وی خواندند، اما با

وجود این، او را به عنوان آلت دست می‌شمردند و حکومتش را وقعی نمی‌نهادند؛ چنان‌که «بختیار» از سران غز از سلطان، حکومت مرو را خواست و چون با مخالفت سنجر روبه‌رو شد، او را به سخره گرفت (ابن‌الکثیر، ۱۴۰۷: ۲۳/۱۲؛ ابن‌الوردی، ۱۴۱۷: ۵۲/۲). سلطان نیز پس از این ماجرا از تخت پایین آمد و وارد خانقاه مرو شد و از پادشاهی توبه کرد (ابوالفداء، بی‌تا: ۲۷/۳). ظاهراً در ابتدا غزها از سلطان اطاعت می‌کردند، ولی بعدها او را در یک قفس آهنی نگه‌داری می‌کردند (سبط‌بن‌الجوزی، ۱۴۳۴: ۴۳۰/۲۰).

غزان خراسان را میان خود تقسیم کرده و در شهرهای مختلف پراکنده شده و آن‌ها را غارت کردند. آن‌ها ابتدا مرو، تختگاه سلطان را در سه روز غارت کردند و سپس رو سوی نیشابور نهاده، آن را به باد نهب و غارت داده و بسیاری از مردم و از جمله عالمان را از دم تیغ گذراندند. آنان همه جا سنجر را با خود می‌بردند و با آن‌که او را سلطان می‌خواندند، توجهی بدو نداشتند (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۸۰؛ ابی‌الفداء، بی‌تا: ۲۹-۲۷؛ سبط‌بن‌الجوزی، ۱۴۳۴: ۴۵۷/۲۰؛ ابن‌الوردی، ۱۴۱۷: ۵۵/۲). آنان شهرهای دیگری مانند توس، جوین و اسفراین را نیز غارت کردند و عالمان و بزرگان زیادی را کشتند (حموی‌بغدادی، ۱۳۸۳: ۶۳۵/۳). غارت و نهب نیشابور توسط غزها چند بار و در سال‌های ۵۴۸ و ۵۴۹ هـ.ق. (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۱۱، قس: زمجی‌اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۴۴-۲۴۳ که ۵۵ هـ.ق. دانسته) و ۵۵۳ هـ.ق. (ابن‌الجوزی، ۱۴۱۲: ۱۳۴/۱۸) رخ داد.

شدت ویرانی در خطه خراسان از این فتنه چنان بود که صاحب عتبه‌الکتبه آن‌را در این زمان «موضعی یکسر خراب» و مردمانش را «بی‌نان و آب» (الجوینی، ۱۳۸۴: ۱۵۳) دانسته است. در این زمان، امیران غز، حاکم مطلق خراسان بودند و در عین حال بر هیچ امیری از خود اتفاق نظر نداشتند و هرکدام برای خود نیروهای جدا و سفیران و ایلچیان مستقل داشتند. همراه بردن سلطان به اسارت درآمده و اطاعت ظاهری از او نشان می‌دهد که آنان نیز خواستار از میان رفتن هرج و مرج موجود و جلب اعتماد مردم و کسب مشروعیت بوده‌اند (قفس‌اوغلی، ۱۳۶۷: ۸۱).

غزان با توجه به فجایی که مرتکب شده بودند، به منزلت خود نزد خراسانیان پی‌برده بودند و به دنبال کسب مشروعیت بودند و حتی کوشیدند با دادن دست‌دوستی به حکومت‌های مجاور، گردن خویش را از سلطه سلطان خلاص کنند. «طوطی‌بیگ» و «قرقود» که مهتر و سرور و پادشاه غزان بودند، هرکدام جداگانه رسولی نزد اسپهبد مازندران فرستادند و پیغام دادند که سنجر، دشمن او را گرفته‌اند و حاضرند که خراسان را با او تقسیم کنند؛ یک سهم برای اسپهبد، و دو سهم برای غزان، اما اسپهبد سخن غزان و رسولان آنان را وقعی نهاد (ابن‌اسفندیار، ۱۳۸۶: ۹۶/۲). پس از مرگ سلطان، غزان برای مشروعیت دادن به اعمال خود، «محمود خاقان»، خواهرزاده سنجر را تحت عنوان «رکن‌الدین محمود» به جانشینی سلطان بر تخت نشانند (قفس‌اوغلی، ۱۳۶۷: ۸۱).

اقدامات امیران و رجال حکومت پس از اسارت سلطان سنجر

امرای سنجر پس از اسارت او در خراسان پراکنده شده و برخی از شهرهای آن سامان را تحت تسلط خود درآورده و تلاش کردند در برابر غزها پایداری نمایند. بیشتر امرای سنجر به همراه مؤید‌آی‌ابه و «ظاهر بن فخرالملک بن نظام‌الملک»، وزیر سنجر به نیشابور رفته و «سلیمان‌شاه بن محمود» (۵۴۸ هـ.ق.)، برادرزاده سلطان سنجر و ولیعهد او را به تخت نشانده و به نام او خطبه خواندند (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۱۱؛ Koymen, 2004: 305). «ابن‌اسفندیار» در روایت دیگری درباره امرای سنجر آورده است که پس از اسارت سلطان، بیشتر امرای او به همراه سلیمان‌شاه به استرآباد و خدمت «اسپهبد تاج‌الملوک مرداو بیج بن علی» رفتند و اسپهبد آنان را به گرمی پذیرفت (۱۳۸۶: ۹۲/۲). مؤید‌آی‌ابه به خدمت سلیمان‌شاه ایستاد تا به مقابله با غزها بپردازد، اما سلطان جدید نتوانست بر امور خراسان تسلط یابد. او کفایت چندانی نداشت و امیران به خدمت او اتفاق نظر نداشتند. سلیمان‌شاه در نخستین

اقدام سپاهی فراهم کرد و به پیکار غزان شتافت، اما آنان که با شکست سنجر جسارت یافته بودند، سپاه سلیمان‌شاه را در ذی القعدة ۵۴۸ هـ.ق.، به عقب راندند و چنان‌که گفته شد، در ذی الحجة ۵۴۹ هـ.ق.، نیشابور نیز به دست غزها افتاد (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵: ۱۱/۱۸۰؛ قفس‌اوغلی، ۱۳۶۷: ۷۸).

سلیمان‌شاه پس از این واقعه خراسان را ترک کرد و به قلمرو آتسز خوارزمشاه رفت و با دخترش ازدواج کرد، اما پس از مدتی از چشم خوارزمشاه افتاد و به عراق رفت. «ابن‌اثیر» بدرفتاری و سوءتدبیر سلیمان‌شاه و مرگ طاهر بن فخرالملک وزیر را از عوامل اختلال امور حکومت او دانسته است (۱۳۸۵: ۱۱/۱۸۰ و ۱۸۲). در برابر دو نیروی جدایی طلب، یعنی امرای سنجر و غزها، به رهبری نیرومند نیاز بود، نه سلطانی نالایق و ضعیف مانند سلیمان‌شاه (باسورث، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

امرای سنجر پس از گریز سلیمان‌شاه، خواهرزاده سلطان سنجر، «محمود بن محمد بن بغراخان» را به حکومت برداشتند؛ چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در ۵۴۹ هـ.ق. سلطان محمود به گرگان رفت و امرای سلطان سنجر نزد وی اجتماع کردند و بر منابر خراسان به نام او خطبه خوانده شد (فصیح‌خوافی، ۱۳۸۹: ۲/۲۴۷)، اما وی نیز نتوانست همه امرای خود آورد. در این زمان، مؤید‌آی‌ابه از محمود جدا شد و کوشید تا قلمرو مستقلی برای خود تدارک بیند. او که توانسته بود بر نیشابور مسلط شود، از پیوستن به محمود سر باز زد. سلطان جدید به مؤید‌نامه نوشت و از او خواست به سپاه محمود بپیوندد، اما مؤید پس از چندین مکاتبه تنها پذیرفت که مبلغی را به خدمت سلطان ارسال دارد (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵: ۱۱/۱۸۴-۱۸۳).

رفتن محمود به گرگان را می‌توان در راستای عدم همراهی مؤید با او در نیشابور دانست. آتسز خوارزمشاه از جانشینی محمود حمایت کرد و ضمن ارسال مکتوبی، او را به سبب داشتن نسب از دو خاندان «سلجوق» و «افراسیاب» ستود و از برتخت‌نشستن محمود در خراسان اظهار شادمانی کرد (تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۳). با این‌همه، محمود نیز در برابر غزان کامیابی چندانی نیافت و از ایشان شکست خورد و تا آزادی سلطان از اسارت غزها در قلمرو محدودی به حکومت پرداخت. «قفس‌اوغلی» جانشینی محمود را به عنوان دومین اقدام جدی برای سامان دادن مجدد به تشکیلات امپراتوری سلجوقی در خراسان دانسته است (۱۳۶۷: ۸۰).

مهم‌ترین امیر سلجوقی که در دوره اسارت سنجر آهنگ مقابله با غزها داشت، مؤید‌آی‌ابه بود؛ او توانست بر برخی شهرهای خراسان، از جمله نیشابور و توس مسلط شود و تاحدودی از سلطه غزها بر این شهرها ممانعت کرد و حتی کوشید قلمرو خود را گسترش دهد، اما تکاپوهای او همواره توأم با کامیابی نبود و بارها در برابر غزها عقب‌نشست (مؤمنی و مرسل‌پور، ۱۳۹۷: ۶۳). اوضاع سیاسی خراسان در دوره اسارت سنجر شکننده بود و سلطان محمود، غزها و مؤید تنها نیروهای سیاسی مؤثر در آنجا نبودند. برخی از امیران سنجر توانسته بودند شهرهایی را تحت سلطه گرفته و با استقلال حکومت کنند. «اسماعیلیان» قهستان نیز فرصت را مغتنم شمرده و به برخی شهرهای خراسان چون خواف و توابع آن می‌تاختند (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵: ۱۹۹-۱۹۸) و «غوریان» و «خوارزمشاهیان» نیز برخی از شهرهای خراسان را تسخیر کردند و غوریان کوشیدند هرات را تحت سیطره خود درآورند (مؤمنی و مرسل‌پور، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۲).

یکی از شخصیت‌های اثرگذار در خراسان آتسز خوارزمشاه بود. او که سه بار برضد سنجر شورش کرده و هر بار مجبور به پذیرش تابعیت او شده بود، اکنون فرصت مداخله در خراسان یافت. او پس از اسارت سنجر با دستاویز نبرد با غزها و با بهانه نجات سلطان به برخی از شهرهای خراسان یورش آورد و بر آن‌ها چیره شد (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۳۶). او در این شرایط در پی گسترش قلمرو خود بود (عمادالدین‌کاتب‌اصفهانی، ۲۰۰۴: ۱۴۳). ابن‌اثیر، این اوضاع سیاسی را چنین وصف کرده است: «غزان و خراسانیان، هرکسی بر ناحیه‌ای از خراسان دست‌یافته و تمام درآمدهای آن را متصرف می‌شد و هیچ سروری هم نداشتند که آنان را گرد آورده و متحد سازد» (۱۳۸۵: ۲۱۰).

چنان‌که گذشت، ناکامی محمود در نبرد با غزان و عدم همراهی مؤید آی‌ابه با او، جانشین سنجر را ناگزیر از التجا به آتسز ساخت. محمود از آتسز برای پیکار با غزها مدد جست و آتسز با لشکریانی به نسا آمد. آنگاه که اتحاد محمود با آتسز به نتیجه نزدیک می‌شد، چنان‌که گفته شد، سلطان سنجر به واسطه مؤید آی‌ابه از اسارت غزها گریخت و سلطان محمود به خاطر کمک خواستن از آتسز پشیمان و نگران شد. سرانجام در خبوشان این دو با یکدیگر ملاقات کرده و دربارهٔ امور مهم به گفت‌وگو پرداختند. برخی نامه‌های ردوبدل شده میان آتسز و محمود به دست رسیده است که در آن‌ها خوارزمشاه بیشتر از مودت و تهنیت پادشاهی سخن گفته است. در یکی از نامه‌ها محمود نیز از تمایل خود برای سفر به خوارزم سخن گفته است و در برابر، خوارزمشاه برای پذیرش او عذر آورده و پوزش طلبیده است (تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). اوضاع سیاسی خراسان در سه سالی که سنجر به دست غزان اسیر بود چنان بحرانی گردید که حتی رهایی سلطان نیز نتوانست آن را سامان بخشد.

بازسازی وقایع پایانی حکومت سلطان سنجر با استفاده از داده‌های سکه‌شناختی

سلطان سنجر در رمضان سال ۵۵۱ هـ.ق.، به کمک آی‌ابه توانست از اسارت غزها بگریزد. وی ابتدا به ترمذ و از آنجا به سوی جیحون رفت و پس از آن وارد دارالملک مرو شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۹۸/۲؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۹؛ میرخواند، ۱۳۷۵: ۷۸۸-۷۸۷؛ سبط‌بن‌الجوزی، ۱۴۳۴: ۴۶۳). انگیزه مؤید آی‌ابه از کمک به فرار سلطان چه بوده است؟ بی‌تردید جدایی آی‌ابه از محمود خاقان و اتحاد آتسز با او عامل اصلی این اقدام بوده است؛ زیرا نخستین پیامد این اتحاد، حذف قدرت مؤید از نیشابور بود. به عبارت دیگر، در قدرت‌گیری و حکومت آتی محمود، جایی برای مؤید وجود نداشت و آی‌ابه با آزاد ساختن سنجر به دنبال تشکیل جناحی در مقابل سلطان محمود و آتسز خوارزمشاه بود. افزون بر آن، او در طول سه سال تکاپو برای کسب قدرت، در زمان اسارت سنجر به این نتیجه رسیده بود که فاقد مشروعیت لازم برای تصاحب قدرت و تشکیل حکومت مستقل در خراسان است؛ بنابراین تنها راه بقای حکومت خود را قرار گرفتن در پناه مشروعیت سلطان سنجر می‌دانست.

سکه مورد مطالعه در این پژوهش، به نام سنجر و در سال ۵۵۱ هـ.ق.، در نیشابور ضرب شده است. بی‌تردید آی‌ابه که در نیشابور مستقر شده بود، نقش اساسی را در ضرب این سکه برعهده داشت. آیا صرفاً نیازهای اقتصادی او را به ضرب چنین سکه‌هایی واداشت؟ با نگاهی به انگیزه‌های اولیه و ثانویه ضرب سکه و تاریخ سکه به سادگی می‌توان به این پرسش پاسخ گفت. در آغاز هدف از ضرب سکه، آسان ساختن مبادلات و تجارت بود، اما به تدریج سکه به نشانی از قومیت، حاکمیت و استقلال بدل گشت؛ یعنی به محض آن‌که جمعیتی نسبتاً متشکل، اندک قدرتی توأم با استقلال به دست می‌آوردند، برای اظهار وجود و نشان دادن اقتدار خویش به ضرب سکه مبادرت می‌کردند (قهرمانی، ۱۳۴۹: ۲۲-۲۱). بنابراین احتمال فعالیت ضرابخانه نیشابور در سال ۵۵۱ هـ.ق.، برای برآورده کردن نیاز اقتصادی شهر همانند سابق، ضعیف به نظر می‌رسد.

از آن احتمال که بگذریم، می‌توان این ضرب سکه را به رهایی سلطان سنجر و تلاش‌های آی‌ابه برای قدرت‌یابی بیشتر در نیشابور مربوط دانست. ضرب این سکه‌ها در این زمان حساس می‌توانست دو خواسته اصلی آی‌ابه، یعنی مقابله با سلطان محمود و آتسز خوارزمشاه و یافتن مشروعیت لازم برای حکومت به واسطه نام سنجر را تأمین سازد. به نظر می‌رسد مؤید قصد داشت هم چنان خود را به عنوان امیر سلطان نشان دهد. علاوه بر آن، وجود اختلافات نوشتاری بر این سکه‌ها، یعنی جابه‌جایی متن مرکزی به صورت عکس در دو نمونه اصلی و مشابه و نقصان نگارش تاریخ ضرب سکه در نمونه مشابه نیز می‌تواند نیاز فوری به ضرب چنین مسکوکاتی را نشان دهد و هم چنین اختلاف وزنی میان نمونه اصلی و نمونه مشابه (۳/۱ و ۲/۸۲ گرم) می‌تواند نشانی از بی‌اهمیت بودن اوزان پولی و نظام اقتصادی برای آن دوره حساس باشد.

باری، گریختن سنجر از اسارت معادلات محمود و آتسز را به هم زد؛ زیرا آتسز بعد از آزادی سنجر در نامه‌ای ظاهراً از آزادی سلطان سنجر اظهار شادمانی کرده و اطاعت خود از او را اعلام داشت (تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۶). او با این نامه به‌گونه‌ای خود را از اتهام همراهی با محمود خاقان و دخالت در اوضاع خراسان تبرئه کرد و خویش را مطیع سلطان سنجر معرفی کرد. اندکی بعد محمود و آی‌ابه به خدمت سلطان درآمدند و ایل ارسلان خوارزمشاه که اندکی پیش جانشین پدرش آتسز شده بود، سلطه سنجر را به رسمیت شناخت. اما سلطان سنجر نیز که خزانه‌اش را تهی و لشکرش را پراکنده و مملکتش را ویران می‌دید (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۱۲)، نتوانست مجدداً همه خراسان را تحت سیطره خود درآورد. او حتی پیش از اسارت نیز سیطره بر امرای خود را از دست داده بود و در این زمان به طریق اولی قادر نبود بر اوضاع آشفته‌ای که در خراسان وجود داشت، استیلا یابد. تضعیف بنیه مالی منطقه بر اثر غارت‌های پیاپی غزها نیز مزید بر علت بود؛ بنابراین سلطان سنجر در سال ۵۵۲ ه.ق. اندکی پس از قدرت‌گیری مجدد، بدون این‌که بتواند اقدام مهم و مؤثری انجام دهد در اثر بیماری قولنج و اسهال درگذشت (ابی‌الفداء، بی‌تا: ۳۳؛ ابن‌الوردی، ۱۴۱۷: ۵۸).

نتیجه‌گیری

پس از جنگ قطوان میان سلطان سنجر و قراختاییان (۵۳۶ ه.ق.)، ضعفی شدید حکومت سلجوقیان را دربر گرفت؛ بسیاری از امیران تابع سلطان، سر به عصیان برداشته و به ادعای استقلال برخاستند و این امر نیز با روند پیری سنجر افزایش یافت. با حمله غزان به خراسان و به اسارت درآمدن سلطان سنجر (۵۴۸ ه.ق.)، هرج و مرج گسترده‌ای خراسان را فراگرفت؛ علاوه بر حملات ادامه‌دار غزها، برخی از سرداران مستقلاً قدرت را به دست گرفته و علاوه بر آن نیز اسماعیلیان قهستان، خوارزمشاهیان و غوریان بخش‌های زیادی از خراسان را متصرف شدند. در دوره اسارت سنجر (۵۴۸-۵۵۱ ه.ق.)، برخی از امرای او در برابر حملات غزها پایداری نموده و سلیمان‌شاه، برادرزاده سلطان سنجر را به تخت نشانند. سلیمان‌شاه کفایت چندانی نداشته و پس از شکست لشکرش از غزان و تسخیر نیشابور (۵۴۹ ه.ق.)، رفتنش به قلمرو آتسز خوارزمشاه و سپس فرارش به عراق، محمود، خواهرزاده سلطان سنجر برای سلطنت انتخاب گردید. مهم‌ترین امیر سلجوقی، یعنی مؤید آی‌ابه توانست بر برخی از شهرهای خراسان از جمله نیشابور مسلط شود و با گسترش قلمرو مانع از سلطه غزان گردد. پس از آن، آی‌ابه از سلطان جدید، محمود جدا شده و به استقلال لشکرش را هدایت می‌نمود. پس از ناکامی سلطان محمود در نبرد با غزان، او از آتسز خوارزمشاه مدد جسته و در همین زمان نیز آی‌ابه توانست سنجر را از اسارت آزاد سازد (۵۵۱ ه.ق.). در واقع با اتحاد سلطان محمود و آتسز خوارزمشاه، قدرت و مشروعیت مؤید آی‌ابه از میان می‌رفت، به همین دلیل آزاد ساختن سلطان سنجر می‌توانست بقای حکومت آی‌ابه را تضمین کند. پیدا شدن دینار طلائی از سلطان سنجر، ضرب شده در نیشابور به سال ۵۵۱ ه.ق.، از سطحی‌ترین لایه‌های محوطه قهوه‌خانه سنگی که احتمالاً در این دوره متروک شده و نمونه نسبتاً مشابه آن (احتمالاً ضرب شده در نیشابور، به سال ۵۵۱ ه.ق.) توانست اطلاعات جدیدی را در اختیار محققان قرار دهد. ضرب سکه در حالت عادی برای برآورده ساختن نیازهای اقتصادی هر شهر و منطقه است، اما در حالت‌های این‌چنینی ضرب سکه صرفاً نمودی از قدرت و مشروعیت است. ضرب این سکه‌ها را می‌توان به جهت رهایی سلطان سنجر از اسارت و تلاش‌های مؤید آی‌ابه برای قدرت‌یابی بیشتر در نیشابور و حتی خراسان دانست. با ضرب چنین سکه‌هایی مؤید آی‌ابه توانست دو خواسته اصلی‌اش، یعنی مقابله کردن با سلطان محمود و آتسز خوارزمشاه و کسب مشروعیت لازم برای ادامه حکومتش به نام سلطان سنجر را تأمین سازد. وجود اختلافات نوشتاری بر سکه اصلی این پژوهش و نمونه مشابه آن، یعنی جابه‌جایی متن مرکزی در دو سکه و نقصان نگارش تاریخ ضرب سکه در نمونه مشابه،

می‌تواند نیاز فوری به ضرب چنین سکه‌هایی را تأیید کند؛ علاوه بر آن، وجود اختلافات وزنی میان سکه اصلی و نمونه مشابه آن (۳،۱ و ۲،۸۲ گرم) می‌تواند نشانی از بی‌اهمیت بودن اوزان پولی و عدم وابستگی به نظام اقتصادی آن دوره باشد. هرچند آزاد شدن سلطان سنجر توانست کمک بزرگی برای آی‌ابه باشد، اما نتوانست درمانی بر آشفتگی اوضاع خراسان تلقی گردد، و در نهایت اندکی بعد، سلطان سنجر بدون انجام اقدام مهم و مؤثری به سال ۵۵۲ هـ.ق. درگذشت.

پی‌نوشت

1. Stephen Album Rare Coins (Ancient, Islamic and World Coins).
۲. متأسفانه محل ضرب این سکه خارج از پولک آن قرار گرفته است و نمی‌توان از محل دقیق ضرب آگاهی یافت.
3. Oriental Coins Database
4. Numismatic Auctions: coins, medals, and other valuables | Sixbid
5. N. M. Lowick
6. Seljuq Coins
7. Elemental Comparison of Silver Coins of Iranian Seljuk whit Those of Roman Empire by PIXE
8. Selcuklu Devri Turk Tarihi
9. M. A. Koymen

۱۰. متن روی سکه: (مرکز) لله / محمد / رسول / الله، (حاشیه) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون (قرآن، توبه: ۳۳). متن پشت سکه: (مرکز) لا اله الا الله وحده / لا شریک له، (حاشیه داخلی) بسم الله ضرب هذا الدینر بمدینه-السلام سنه ثلث عشره و ماتین، (حاشیه خارجی) لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المؤمنون بنصر الله (قرآن، روم: ۵-۴).

۱۱. متن روی سکه: (مرکز) لله / محمد / رسول / الله / المقتدر بالله، (حاشیه) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون (قرآن، توبه: ۳۳). متن پشت سکه: (مرکز) لا اله الا الله وحده / لا شریک له / ابوالعباس بن / امیرالمؤمنین، (حاشیه داخلی) بسم الله ضرب هذا الدینر بمصر سنه اثنتین و ثلاث مئه، (حاشیه خارجی) لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المؤمنون بنصر الله (قرآن، روم: ۵-۴).

۱۲. متن روی سکه: (مرکز) الله / لا اله الا / المستظهر / بالله سنجر / بن ملکشاه / عدل، (حاشیه) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون (توبه: ۳۳). متن پشت سکه: (مرکز) الله / محمد رسول / السادح؟ / المعظم محمد / بن ملکشاه، (حاشیه داخلی) بسم الله ضرب هذا الدینر بهراه سنه ثمان و تسعین و اربعمائه، (حاشیه خارجی) لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المؤمنون بنصر الله (روم: ۵-۴).

۱۳. متن روی سکه: (مرکز) لله / محمد رسول الله / صلی الله علیه / جلال الدوله / ملکشاه، (حاشیه داخلی) ذخرالدین / ابوالعباس، (حاشیه خارجی) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون (توبه: ۳۳). متن پشت سکه: (مرکز) لا اله الا الله / وحده لا شریک له / الامام المقتدی / بامر الله / امیرالمؤمنین، (حاشیه داخلی) بسم الله ضرب هذا الدینر بمدینه السلام سنه ست و ثمانین و اربعمائه، (حاشیه خارجی) لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المؤمنون بنصر الله (روم: ۵-۴).

۱۴. متن روی سکه: (مرکز) لله / السلطان الاعظم / معز الدینا و الدین / ابوالحرث سنجر / بن ملکشاه، (حاشیه) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون (توبه: ۳۳). متن پشت سکه: (مرکز) لا اله الا الله / محمد رسول الله / الامام المسترشد / بالله، (حاشیه) بسم الله ضرب هذا الدینر بنیسا بور سنه احدى و عشرين و خمسمائه.

15. V. M. Zaporozhets

کتابنامه

- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد، (۱۳۸۶). تاریخ طبرستان. جلد دوم، تصحیح: عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- ابن الاثیر، عزالدین علی، (۱۳۸۵ هـ.ق.). الکامل فی التاریخ. الجزء الحادی عشر، بیروت: دارالصادر.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، (۱۴۱۲ هـ.ق.). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. الجزء الثامن عشر، تصحیح نعیم زرزور؛ تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الکثیر، عمادالدین اسماعیل، (۱۴۰۷ هـ.ق.). البدايه و النهايه. الجزء الثانی عشر، بیروت: دارالفکر.
- ابن الوردی، زین الدین عمر، (۱۴۱۷ هـ.ق.). تاریخ ابن الوردی (تتمه المختصر فی اخبار البشر). الجزء الثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابی‌الفداء، عمادالدین اسماعیل، (بی‌تا). المختصر فی اخبار البشر. الجزء الثالث، قاهره: مطبعه الحسينيه المصريه.
- اعتمادی، محمداسماعیل، (۱۳۷۷). «گزارش تکمیلی بررسی و شناسایی آثار تاریخی شهرستان نیشابور، بخش سرولایت»، نیشابور: گزارش سازمانی، اداره میراث‌فرهنگی شهرستان نیشابور (منتشر نشده).
- اوزگودنلی، عثمان غازی، (۱۳۹۳). «ایران در عصر سلجوقیان». در کاظم موسوی بجنوردی و صادق سجادی (ویراستار). تاریخ جامع ایران، جلد ۸، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص: ۷۵۸-۵۲۱.
- آقسرای، محمودبن محمد، (۱۳۶۲). مسامره الاخبار و مسایره الاخیار. تصحیح: عثمان توران، تهران: اساطیر.
- باسورث، کیلفورد ادموند، (۱۳۸۹). «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران». در: جی. ای. بویل. تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- باصفا، حسن، (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی کاوش‌های محوطه قهوه‌خانه‌سنگی روستای برزنون نیشابور». نیشابور: گزارش سازمانی، مجتمع آموزش عالی نیشابور (منتشر نشده).
- باصفا، حسن، (۱۳۹۲). «گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قهوه‌خانه‌سنگی برزنون نیشابور». در: نگین میری، کوروش روستایی، فریدون بیگلری، و حامد وحدتی‌نسب، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، ص: ۸۴.
- بنداری، فتح‌بن علی، (۱۳۵۷). تاریخ سلسله سلجوقی. ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بیضاوی، ناصرالدین عبدالله، (۱۳۸۲). نظام التواریخ. تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- توحیدی، فائق، (۱۳۵۶). «گزارش هیأت بررسی و شناسایی آثار باستانی استان خراسان». تهران: گزارش سازمانی، اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران (منتشر نشده).
- توپسرکانی، قاسم، (۱۳۸۳). نامه‌های رشیدالدین وطواط. تهران: دانشگاه تهران.
- الجوینی، منتجب‌الدین بدیع، (۱۳۸۴). عتبه الکتبه. تصحیح: محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- حموی بغدادی، یاقوت، (۱۳۸۳). معجم البلدان. جلد سوم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، (۱۳۸۰). حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. جلد دوم، با مقدمه جلال‌الدین همایی، تصحیح: محمد دبیرسیاقی، چاپ چهارم، تهران: اساطیر.
- راوندی، محمدبن علی، (۱۳۶۴). راحة الصدور و آية السرور. تصحیح: محمد اقبال و محمد مینوی، تهران: امیرکبیر.
- رحمتی، محسن، (۱۳۹۷). «پیامدهای اجتماعی جنگ قطوان در ماوراءالنهر». مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۳، صص: ۷۳-۵۳.
- روستا، جمشید، (۱۳۹۳). «بازکاوی تاریخ سیاسی فرارود و خراسان بزرگ، از منظر روابط دو دولت قراختایی و سلجوقی». پژوهش‌نامه خراسان بزرگ، شماره ۱۷، صص: ۲۴-۱۱.
- زمچی‌اسفزاری، معین‌الدین محمد، (۱۳۳۸). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. جلد اول، تصحیح: سیدمحمدکاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.

- سبط بن الجوزی، شمس‌الدین یوسف، (۱۴۳۴ هـ.ق.). مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان. الجزء العشرين، دمشق: دارالرساله العالمیه.
- سعادت، محسن؛ و ناصری صومعه، حسین، (۱۳۹۵). «بختی پیرامون وضعیت مالی دوران سلجوقیان با اتکا به مسکوکات آن دوران». فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۷، صص: ۲۸-۳.
- سلیمانی، سعید، (۱۳۹۱). «پژوهشی سکه‌شناختی بر آغاز حکمرانی سلجوقیان در جرجان». تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، شماره ۹۲، صص: ۷۰-۶۱.
- شبانکاره‌ای، محمدبن‌علی، (۱۳۸۱). مجمع‌الانساب. تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- صادقی، مقصودعلی، (۱۳۸۸). «نقش قبایل مهاجر آسیای میانه در تحولات روزگار سلطان سنجر سلجوقی». پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱، صص: ۶۴-۵۵.
- عمادالدین کاتب‌اصفهان‌ی، محمدبن‌حامد، (۲۰۰۴ م.). تاریخ دولت آل سلجوق. تصحیح: یحیی مراد، بیروت: دارالعلمیه.
- فروزانی، سیدابوالقاسم، (۱۳۹۱). «علل بنیان‌گذاری سلسله محلی آل مازنه در بخارا». پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، شماره ۱، صص: ۷۵-۶۶.
- فروزانی، سیدابوالقاسم، (۱۳۹۳). سلجوقیان از آغاز تا فرجام. تهران: سمت.
- فصیح‌خوافی، احمدبن‌محمد، (۱۳۸۶). مجمل فصیحی. جلد دوم، تصحیح: سیدمحسن ناجی‌نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- قفس‌اوغلی، ابراهیم، (۱۳۶۷). تاریخ دولت خوارزمشاهیان. ترجمه داود اصفهانیان، تهران: گستره.
- قلی‌زاده، فاطمه، (۱۳۹۱). «سکه‌های سلجوقی و بررسی گرایش‌های سیاسی و مذهبی آن‌ها از قرن ۵ تا ۷ هـ.ق.». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشرنشده).
- قهرمانی، ابوالفضل، (۱۳۴۹). «سکه، نشان قومیت و آزادگی (۱)». هنر و مردم، شماره ۹۲، صص: ۳۵-۲۱.
- کیان‌زادگان، سوسن؛ رجایی، سیدجلال؛ مسجدی‌خاک، پرستو؛ و سعادت‌مهر، محمدامین، (۱۳۹۸). «تجزیه عنصری سکه‌های پیروز ساسانی به روش پیکسی (PIXE)، مطالعه موردی: سکه‌های گنجینه پیروزگت کشف‌شده از روستای تیس چابهار». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۲، صص: ۱۹۶-۱۸۱.
- گروه، رنه، (۱۳۷۹). امپراتوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مرعشی، میرسیدظهرالدین، (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. تصحیح: محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مسجدی، پرستو؛ خادمی‌ندوشن، فرهنگ؛ نیستانی، جواد؛ موسوی‌کوهپیر، سیدمهدی؛ و خزایی، مصطفی، (۱۳۹۳). «مقایسه عنصری سکه‌های سلاجقه ایران و روم با استفاده از روش پیکسی». در: حسن هاشمی‌زرچ‌آباد، و سیدمحمدحسین قریشی (ویراستار). مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی باستان‌شناسی ایران: دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها (دانشگاه بیرجند- اردیبهشت ۹۲)، بیرجند: چهاردرخت، صص: ۱۱-۱.
- مسجدی‌خاک، پرستو، (۱۳۹۲). «آنالیز عنصری سکه‌های نقره دوره سلجوقی به منظور شناخت وضعیت سیاسی و اقتصادی در این دوره». رساله دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشرنشده).
- منهج‌سراج‌جوزجانی، منهج‌الدین عثمان، (۱۳۴۲). طبقات ناصری. جلد اول، تصحیح: عبدالحی حبیبی، چاپ دوم، کابل: انجمن تاریخ افغانستان.

- مؤمنی، محسن؛ و مرسل پور، محسن، (۱۳۹۷). «واکاوی فراز و فرود قدرت سیاسی ملوک نیشابور (۵۸۳-۵۴۸ ه.ق.)». پژوهشنامه خراسان بزرگ، شماره ۳۲، صص: ۷۰-۵۹.
 - میرخواند، محمدبن خاوندشاه، (۱۳۷۵). روضةالصفاء. جلد چهارم و ششم، تهران: علمی.
 - هینتس، والتر، (۱۳۶۸). اوزان و مقیاس ها در فرهنگ اسلامی. ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Baldwin's., (26 Jul. 2011). *Islamic Coins (Coins of the Islamic world)*. Auction 18. London: A. H. Baldwin & Sons Ltd.

- Baldwin's., (8 May. 2012). *Islamic Coins (Coins of the Islamic world)*. Auction 20. London: A. H. Baldwin & Sons Ltd.

- Koymen, M. A., (1991). *Buyuk Selcuklu Imparatorlugu Tarihi*. Vol. 5. Ankara: Turk Tarih Kurumu.

- Koymen, M. A., (2004). *Selcuklu Devri Turk Tarihi*. Ankara: Turk Tarih Kurumu Basimevi.

- Lowick, N. M., (1970). "Seljuq Coins". *The Numismatic Chronicle* (1966-). Vol. 10, Pp: 241-251.

- Masjedi, P.; Khademi, F.; Neystani, J. & Mosavi Kouhpar, S. M., (2013). "Elemental Comparison of Silver Coins of Iranian Seljuk whit Those of Roman Empire by PIXE". *Mediterranean Archaeology and Archaeometry*. Vol. 13, NO. 1, Pp: 321-328.

- Shams Eshragh, A., (2010). *Silver Coinage of the Caliphs*. Second Edition. London: Spink & Son LTD.

- St. James's., (29 Sep. 2016). "Ancient, Islamic, British and Foreign Coins, Medals and Banknotes". *Auction* 38. London: St. James's Auctions.

- Stephen Album Rare Coins., (10-12 Sep. 2015). *Ancient, Islamic and World Coins*. Auction 23. Santa Rosa: Stephen Album Rare Coins.

- Stephen Album Rare Coins., (14-16 Jan. 2016). *Ancient, Islamic and World Coins*. Auction 24. Santa Rosa: Stephen Album Rare Coins.

- Stephen Album Rare Coins., (23-25 Jan. 2020). *Ancients, Islam & World*. Auction 36. Santa Rosa: Stephen Album Rare Coins.

- Zaporozhets, V. M., (2012). *The Seljuks*. Honnover: European Academy of Natural Sciences.

- <https://www.sixbid.com/en/>

- <https://www.zeno.ru/>